

احمد خاتمی گفته: ایران، مستقل‌ترین کشور دنیاست | امروز هیچکس به خاطر اظهار نظر در ایران دستگیر نمی‌شود | فرمان فضای مجازی باید دست نظام باشد؛ آیا این حرف جای «هو کردن» دارد؟

رهبری در با نشاط‌ترین وضعیت خودشان قرار دارند؛



به گزارش اسپادانا خبر، احمد خاتمی در گفت‌وگو با ایسنا می‌گوید: در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران کسانی خیز برداشتند که چهره رژیم سیاه و منفور و پهلوی را تیره کنند. این جریان را برخی از صاحبان فضای مجازی دنبال می‌کند و می‌طلبند که همه علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی و مخصوصاً کسانی که در این عرصه عمل می‌کنند برای دفاع از انقلاب اسلامی وارد شوند. چرا اینجا دیگر حوزه جناح نیست؛ اصولگرایی و اصلاح‌طلبی مطرح نیست، بلکه اینجا حوزه اصل انقلاب اسلامی است و اگر قرار باشد کسانی رژیم پهلوی را که ۵۷ سال حکومت‌شان از سیاه‌ترین دوران‌های تاریخ ایران است، تطهیر کنند و تیره سازند در حقیقت با انقلاب اسلامی مقابله صریح کرده‌اند. در رابطه با خدمات عمرانی که در طول این چهار سال انجام شده در مجمعی که چند هفته پیش جامعه مدرسین برای علمای بلاد داشت، بزرگی فرمود که در این ۴۰ سال بیش از ۴۰۰ سال خدمت به مردم صورت گرفته است. البته تقاضای من این است که مسئولان دلسوز نظام اسلامی به طور مستمر و بدون آنکه پرده‌پوشی کنند با مقایسه به ارزیابی این موضوع بپردازند. ما اول انقلاب چقدر دانشگاه و دانشجو داشتیم و الان چقدر؟ اول انقلاب چقدر خدمات به مناطق محروم داده می‌شد و الان چقدر؟ قبل از انقلاب فضای سیاسی و امنیتی چه شکلی داشت و الان چه شکلی دارد؟ بنابراین فقط می‌خواهم به چند ره‌آورد مسلم و بدون تردید انقلاب اشاره کنم که حتی خود طاغوتی‌ها هم ردش نمی‌کنند. ره‌آورد اول، استقلال کشور است و این حقیقتی است که خود طاغوتی‌ها هم در کتاب‌هایشان دارند و می‌گویند رژیم شاه، از سال ۱۳۳۲ به آمریکا وابسته بود و قبل از آن به انگلیس وابستگی داشت بود و اگر کسی حرف من را قبول ندارد، می‌تواند خاطرات حسین فردوست را بخواند؛ او دوست کودکی شاه بود و به صراحت نوشته است که انگلیسی‌ها چگونه محمدرضا را سر کار آوردند. خود محمدرضا هم در بیاناتش تصریح می‌کند و می‌گوید من آموزگار را سر کار آوردم چون میان‌اش با آمریکایی‌ها خوب بود و وقتی از ایران فرار کرد هم هرگاه اسم آمریکایی‌ها را می‌شنید، می‌گفت کاش اینقدر حرف آمریکایی‌ها را نمی‌شنیدم. ژنرال هاینر هم که یک هفته مانده به پیروزی انقلاب به ایران آمد و یک هفته بعد هم فرار کرد در خاطراتش می‌گوید وقتی سراغ فرماندهان نیروهای سه‌گانه ارتش شاهنشاهی رفتم به من می‌گفتند دستور چیست؟ و تعجب می‌کردم که غیرت میهنی اینها کجا رفته است که به یک غریبه می‌گویند دستور چیست؛ اما امروز اگر نگویم تنها کشوری که در دنیا مستقل است ما هستیم، می‌توانم بگویم حداقل مستقل‌ترین کشور دنیا ایران است. ره‌آورد دوم این است که مردم ایران خودشان سرنوشت‌شان را تعیین کرده‌اند و می‌کنند؛ وابستگان به شاه در کتاب‌هایی که خودشان نوشته‌اند او را به این می‌شناسند که بیشترین تحقیر را نسبت به ملت ایران انجام می‌داد. اسد[] علم در خاطراتی که دارد می‌گوید شاه مردم ایران را مردم پوفیوزی می‌خواند. شاه می‌گفت مردم ایران اصلاً دست‌ورو شستن‌شان را بلد نبودند و پدرم اینها را آشنا کرده بود؛ یعنی اوج تحقیر نسبت به یک ملت در زمان شاه انجام می‌شد و برای مردم هیچ سهمی در اداره کشور قائل نبودند تا جایی که اسم کاندیداهای نمایندگی مجلس را ساواک تعیین و به نخست‌وزیر ارائه می‌کرد و نخست‌وزیر نیز به شاه می‌داد و هر کس که شاه روی اسم او خط نمی‌زد، نماینده بود، چه رای بیشتر می‌آورد چه کمتر؛ بنابراین رای مردم اصلاً به‌عنوان اصل مطرح نبود و آنان نیز هیچ انگیزه‌ای برای شرکت در انتخابات نداشتند اما انقلاب این ره‌آورد را داشت که صاحبخانه‌ها را به خانه برگرداند. شاه صاحبخانه‌ها را که مردم بودند از خانه بیرون کرده بود و برای رای‌شان سهمی قائل نبود اما انقلاب اسلامی این صاحبخانه‌ها را به خانه بازگرداند و بعد از انقلاب نزدیک به ۴۰ انتخابات کاملاً مردمی برگزار شده است که همه‌شان واقعاً انتخابات بود و واقعاً هم رای مردم تأثیرگذار بوده است و این را هم بگویم که در انتخابات سال ۸۸ مقام معظم رهبری از جمهوریت نظام دفاع کرد. ره‌آورد سوم که مطرح می‌کنم مسئله خفقان رژیم شاه و آزادی جمهوری اسلامی است. در این باره خاطره‌ای شنیدم که یکی از مبارزان را در حالی که لباس بر تن نداشت، روی اجاق گاز نشاندهند و این مبارز تا آخر عمرش

نمی‌توانست درست بنشیند؛ چنین شکنجه‌های قرون وسطایی در ساواک انجام می‌شد. اخیراً هم خوانده‌ام که شخصی صریحاً به شاه اهانت می‌کرد و حتی وقتی او را می‌دید پیش رویش هم به او اهانت می‌کرد و شاه دستور داد او را برای سیرشدن شکم شیرها در قفس ببندازند و پس از مدتی گرسنه نگاه داشتن این حیوانات او را پیش چشم شاه به قفس انداختند. من به کسانی که می‌گویند در ایران آزادی نیست می‌گویم این موارد را دیده‌اید؟ آنها را خوانده‌اید؟ خدا را شکر امروز آزادی آمده است و هیچکس به خاطر اظهار نظر دستگیر نمی‌شود. البته بله؛ هر نظامی با براندازان‌اش برخورد می‌کند و اختصاصی هم به نظام ما ندارد، همه نظام‌های به اصطلاح دموکراتیک هم این کار را می‌کنند. مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌گفتند کسانی که با جمهوری اسلامی مخالفند، حکومت طاغوت را نشناخته‌اند، اگر می‌شناختند، می‌دانستند که قدر نعمت جمهوری اسلامی چیست. ره‌آورد چهارم هم حاکمیت دین است که به برکت انقلاب، دینی که منزوی‌اش کرده بودند دوباره به صحنه آمد. عضو مجلس خبرگان رهبری درباره اعتراضات دی ماه 96 ایران می‌گوید: اولاً اغتشاشات دی‌ماه سال 96، اغتشاشات بسیار غیرقابل ذکری است. از این لحاظ که وزیر محترم کشور گفته است از تمام شهرهای کشور که در آن اغتشاشی انجام شده وقتی آمار گرفتیم، مجموع آنان 40 هزار نفر بیشتر نبوده‌اند. از یک کشور 80 میلیونی با زحمت بسیار، 40 هزار نفر را جمع کرده‌اند. ثانیاً آتش‌بیار این معرکه به اصطلاح آمدنیوز است که یکی از افرادی که از آمدنیوز بیرون آمده و زمانی در آن، همه‌کاره بوده است، تصریح می‌کند که حتم داشته باشید شبکه‌های جاسوسی بیگانه، آمدنیوز را تغذیه می‌کنند؛ اصلاً آتش‌بیار این معرکه کانال تلگرامی آمدنیوز بوده است. ثالثاً منافقین تصریح کردند که شعارهایی که در این تجمعات داده می‌شد را ما ساخته‌ایم. منافقین ضد خلقی که همین حالا هم آدم می‌کشند. نمی‌دانم در فضای مجازی آنچه من درباره شکنجه کردن توسط منافقین را دیده‌ام، شما هم دیده‌اید یا نه؟ آنان همین الان هم در اردوگاه‌های‌شان با شکنجه قرون وسطایی آدم می‌کشند و می‌گویند که این شعارها را ما ساخته‌ایم. پس یعنی این شعارها حتی شعارهای معترضان داخلی هم نبوده است. رابعاً با آن همه تبلیغات وقتی 40 هزار نفر را توانسته‌اند، جمع‌کنند این یک شوق‌الْقمر نیست. جالب است از قول بعضی از مقامات قضائی به شما بگویم که می‌گفتند در جریان اغتشاشات در شهری ما 20 نفر را دستگیر کردیم که همه‌شان پسرهای پولدارهای این شهر بودند. یعنی معترضان حتی از فقرا هم نبودند بلکه پسرهای پولدارهای عمده آن شهر بودند. بنابراین در علت اینکه چرا این شعارها مطرح شد، نمی‌گویم که فقط فضای مجازی تأثیر داشت اما آنکه صدای این‌ها را به هم رساند شبکه آلوده آمدنیوز بود. البته اگر کسی این سخن را بگوید که ما هیچ تقصیر و قصوری نداشتیم ادعای نادرستی است. تقصیر داشتیم و تقصیر ما این بوده که این انقلاب را درست به مردم معرفی نکردیم و خدماتش را درست به آنان منعکس نکردیم که من امیدوارم صداوسیما جمهوری اسلامی در این عرصه فعال‌تر وارد شود که بهترین ابزار برای خنثی کردن این موارد، تبیین است. آن هم تبیین مستند از سیمای جمهوری اسلامی در ارائه خدمات انقلاب به مردم. امام جمعه موقت تهران ادامه می‌دهد: من بر این باورم که متعهدان به انقلاب اسلامی و جوان‌های حزب‌اللهی وارد فضای مجازی شوند، مستند بنویسند، اطلاع‌رسانی کنند و پاسخ اراجیف پهلوی‌ساخته را بدهند. مقام معظم رهبری بر حضور جوانان تکیه دارند و به آنان امید بسته‌اند و این ریشه در سیره پیامبر (ص) دارد. ما امید داریم جوانان حزب‌اللهی ما وارد شوند و با اطلاعات عمیق به صورت مستند به جنگ دروغ‌های خودساخته کسانی روند که می‌خواهند با حرف‌هایشان رژیم پهلوی را تیرئه کنند. حرف اصلی ما یک کلمه است و آن این است که اگر کسی بگوید که فضای مجازی اصلاً نه، باید بگویم که این آقا نه دنیا را می‌شناسد، نه ایران را. فضای مجازی یک واقعیت است و فناوری‌ای محسوب می‌شود که عامه مردم را در پوشش خود گرفته است؛ حرف ما این است که فضای مجازی آری، اما باید فرمانش دست نظام باشد. مسئولان خودشان اعتراف می‌کنند که 80 درصد فضای مجازی در اختیار آمریکا است و این یک واقعیت است. چینی‌ها قبل از دیگران این را فهمیدند و فضای مجازی - به تعبیر آنها - «کالیفرنایی» را به چین راه ندادند. خودشان فضای مجازی بومی ابداع کردند؛ پس قصه فقط قصه ایران هم نیست، قصه جهان است. آمریکا با این فناوری می‌خواهد همه دولت‌های جهان را متضرر کند و دولت در دولت ایجاد کند. بنابراین ما معتقد به فیلترکردن فضای مجازی نیستیم. معتقد به فیلترکردن فضای مجازی هستیم که فرمانش دست آمریکا است. ما می‌گوئیم ماشین باید ترمز داشته باشد. آیا این حرف جای «هو کردن» دارد که بعضی‌ها فیلتر کردن را هو می‌کنند؟ ما می‌گوئیم ماشین اگر ترمز نداشته باشد به شما و سرنشینان‌اش آسیب می‌زند. ما می‌گوئیم فضای مجازی داشته باشیم اما از مسئولان بخواهیم که این فضا بومی شود. همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند اینترنت ملی سامان گیرد. ما حرف‌مان این است. مثل اینکه ما بگوئیم کاری کنید که آسیب فضای مجازی شما را نگیرد. اگر فضای مجازی فرماندهی‌اش دست آمریکا باشد قتلگاه دین، اخلاق و نظام سیاسی کشور است. خاتمی ادامه می‌دهد: تابستان داعی که دشمنان ایران انتظارش را می‌کشیدند اتفاق نیفتاد اما پیش‌بینی رهبری نشان از دوراندیشی این رهبر بزرگوار دارد که حتی برخی از رسانه‌های غربی نام مقام معظم رهبری را «دوراندیش‌ترین رهبر جهانی» گذاشته‌اند. ایشان فضای کشور را ارزیابی و پیش‌بینی می‌کنند که چه بسا دشمن در پی شیطنت‌هایی باشد که نشانه‌هایش یکی حرف‌های خود ترامپ است که هم علنی و هم محرمانه گفته که ما در پی براندازی نظام ایران هستیم. پمپئو وزیر خارجه او هم به دوره‌گردی افتاده و به صراحت به کشورهای همسایه ما می‌گوید که بیایید با همدیگر متحد شویم تا نظام ایران را نابود کنیم؛ ائتلاف و نشست اخیری که قرار بود در لهستان برگزار شود هم در همین راستا است. وقتی آنان اینچنین وارد عرصه شده‌اند و از سوی دیگر وقتی وزیر امور خارجه آمریکا گفته بود که ما در خود ایران و از نیروهای خود ایران استفاده می‌کنیم که علیه نظام اسلامی عمل کنند، به نظر می‌رسد که اصل این پیش‌بینی درست است که دشمن در پی ایجاد بحران است اما اینکه این اتفاق خواهد افتاد یا نه، بنده عرض می‌کنم چند مورد اگر رعایت نشود قطعاً دشمن راه به جایی نمی‌برد؛ یکی آنکه عوامل ایجادکننده انقلاب همچنان سر جای خود باشد. یعنی ایمان مردم و اطاعتشان از رهبری و بصیرتشان وجود داشته باشد. صداوسیما جمهوری اسلامی هم تبیین بایسته داشته باشد. ان‌شاءالله این گردنه را هم پشت سر خواهیم گذاشت و امیدوارم در سال آینده و در چنین زمانی بگوئیم که اینها می‌خواستند سال 98 سال اغتشاش باشد اما خدا را شکر دودشان به چشم خودشان رفت. البته این را هم می‌گویم که هشت سال دفاع مقدس، نظام جمهوری اسلامی را در عرصه تهاجم بیگانه بیمه کرده است. این روزها کمتر می‌شنویم که بگویند «همه گزینه‌ها روی میز است» به خاطر اینکه هشت سال دفاع مقدس نشان داد بازی با ایران، بازی با دم شیر است. قصه حماسه نهم دی سال 88، ایران اسلامی را در فتنه تهاجم داخلی نیز بیمه کرد و خدا را شکر که مسئولان ما، نیروهای انتظامی ما و بسیجیان‌مان کوله‌باری از تجربه را دارند. فتنه سال 88 در زمان خود جدید بود اما الان با کوله‌باری از تجربه، نیروهای انتظامی و بسیجی ما نخواهند گذاشت که ضدانقلاب به کام خود برسد. خاتمی ایران را کشور نظرسنجی‌ها می‌داند و ادامه می‌دهد؛ نهادهای مختلف هر روز، هر هفته و هرماه مسائل مختلفی را نظرسنجی می‌کند. در این نظرسنجی‌های اخیر یکی از سوالات مشترک نظرسنجی‌ها به خصوص از جوانان پایبندی

به دین بوده است و بین ۸۰ تا ۹۰ درصد اعلام کردند که به دین پایبندند، به ارزش‌ها پایبندند و نمود آن هم مثلاً اعتکاف است که اکثریت معتکفان را جوانانمان تشکیل می‌دهند یا برگزاری عزاداری سیدالشهدا! این هیئت‌ها را چه کسانی اداره می‌کنند؟ شب‌های قدر در همین تهران تقریباً خودم اکثر مجالس را یا سخنرانی کرده‌ام و یا سر زده‌ام و دیده‌ام که جداً جوانان جمعیت بسیار انبوهی را در آن‌ها تشکیل می‌دهند؛ اینها نشانه این است که اصل دینداری آسیب ندیده است اما اینکه دشمنان تلاش می‌کنند آسیب ببیند جای شک نیست. یک جلوه کم‌اعتنایی‌ها به دین، بدحجابی‌ها و بی‌حجابی‌ها است که جای نگرانی دارد ولی مطلبی را مقام معظم رهبری در بنجورد فرموده‌اند با این مضمون که نمی‌توان گفت همه اینها (بدحجابان) اردوگاه دلشان جای دیگری است. باید توجه داشت برخی از همین کسانی که ظواهر را رعایت نمی‌کنند - و از خدا می‌خواهیم به دلشان بیندازد که ظواهرش را هم رعایت کنند - اردوگاه دلشان با دین است و با ارزش‌ها همراه هستند؛ بنابراین من خوش‌بینی مقام معظم رهبری را بیجا نمی‌دانم و معتقد هستم که خدا را شکر قشر عظیمی از مردم عزیز و جوانان عزیزمان همچنان اردوگاه دلشان اردوگاه دین و ارزش‌های دینی است اما باید کار بیشتر انجام دهیم، صداوسیما ما در مسائل ارزشی کار عمیق‌تر و هنری‌تر انجام دهد، همه‌مان به وظیفه‌مان عمل کنیم و خداوند هم دینش را حفظ خواهد کرد. عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان در مورد برنامه‌های آینده این مجلس می‌گوید: خدا را شکر، رهبری ما در با نشاط‌ترین وضعیت خودشان قرار دارند و اهل ورزش و پیاده‌روی هستند اما طبیعی است که باید به فکر آینده نظام هم بود. حال اگر از من پرسید شخص خاصی را در نظر گرفته‌اید، بنده که عضو کمیسیون تحقیق خبرگان، عضو هیئت رئیسه خبرگان و سخنگوی هیئت رئیسه هم هستم، می‌گویم که مطلقاً یک فرد هم در این زمینه مطرح نشده است. این را هم به صراحت و شفافیت می‌گویم. نه! اصلاً اینکه فرد خاص یا افرادی باشند، مطرح نشده است. این را گفتم برای اینکه هم شما و هم کسانی که این مصاحبه را می‌خوانند توجه داشته باشند که من بی‌اطلاع نیستم و اگر اطلاعی در این رابطه وجود داشته باشد یکی از کسانی که باید مطلع باشد بنده هستم که می‌خواهم سخنگوی آقایان در خبرگان باشم اما مجلس خبرگان باید راهکار و تدابیرش را در این عرصه داشته باشد و دارد. ما سالی دو اجلاس داریم. کمیسیون‌ها هم در مجلس خبرگان فعال هستند و هیئت اندیشه‌ورز هم فعال است و مدام هم جلسات مان برگزار می‌شود. ما درباره مسائلی که دغدغه خبرگان است با توجه به سخن رهبری درباره انتخابات که دستور دادند انتخابات هم در مجلس خبرگان و هم در مجلس شورای اسلامی باید بازنگری و مشکلاتش بررسی شوند تا این موارد کاهش یابد، موضوع را در خبرگان نیز پیگیری می‌کنیم. یکی از مشکلاتی که ما در مجلس خبرگان داشتیم این بود که برای نام‌نویسی افراد، در نظر گرفته نشده بود تا کسانی که کاندید می‌شوند چه چیزی عرضه کنند که اسم‌شان نوشته شود. مثلاً برای مجلس شورای اسلامی فوق‌لیسانس را در نظر گرفته‌اند اما در روز ثبت‌نام طرف که می‌آمد اگر فوق‌لیسانس نداشت اسم او را برای نامزدی در انتخابات مجلس شورای اسلامی نمی‌نوشتند، آن وقت طرف می‌رفت و در خبرگان اسم می‌نوشت! این وهن خبرگان بود. ما باید یک کفی را تعیین می‌کردیم تا کسی که می‌خواهد کاندیدای خبرگان شود، آن را داشته باشد. از این به عنوان کف تعبیر می‌کنم چون اگر کسی می‌خواهد وارد مجلس خبرگان شود امتحان نیز باید بدهد. این موارد در کمیسیون آئین‌نامه تصویب شده و باید بعد از تصویب در آنجا به صحن علنی بیاید که هنوز این اتفاق نیفتاده است ولی قرار بر این است کسی که اسم برای خبرگان می‌نویسند، مدرک سطح چهار حوزه را داشته باشد که برابر با دکتری می‌شود؛ حالا اگر پیرمردهای ۷۰، ۸۰ ساله‌ای بودند که این دوره‌ها را طی نکرده باشند به مدیر حوزه این اختیار را دادیم که ارزیابی کنند که این افراد در حد سطح چهار هستند یا نه. این موضوع مهمی است که ما باید انتخابات خبرگان را سامان دهیم و پیش‌بینی من این است که این بند رای می‌آورد. مسئله دیگر این است که حداقل سن برای ورود به خبرگان چند باشد؟ اگر طلبه ۱۸ ساله‌ای آمد و از عهده همه امتحانات برآمد آیا او را بپذیریم یا نه؟ این را باید قانون برای ما تعیین کند که حداقل سن چقدر است. به هر حال بین مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی فرق وجود دارد و تکریم جوانان هم سر جای خودش است. پیامبر اکرم جوان ۱۸ ساله‌ای به نام اسامه را به عنوان فرمانده لشکر انتخاب کرد اما این خبرگان می‌خواهند رهبری را تعیین کنند که همه مردم حرفش را بشنوند. من اوایلی که به مجلس خبرگان رفته بودم چون هنوز محاسن سفید نشده بود، به آیت‌الله مشکینی عرض کردم که حاج‌آقا! مردم به رهبری اعتماد می‌کنند که شما ریش‌سفیدها انتخاب کرده‌اید. جوان‌گرایی آری ولی در جای خود. در عرصه مدیریت اگر جوان بیاید نشاط ایجاد می‌کند اما در عرصه انتخاب رهبر اگر کسی می‌خواهد سر کار بیاید تا همه گوش به حرفش باشند، نمی‌گویم فقط ۶۰ ساله‌ها و ۷۰ ساله‌ها می‌توانند ولی فکر می‌کنم هر کسی باور دارد که ما یک حداقل سنی را باید در نظر بگیریم. یک نظر این است که ۴۰ سالگی را در نظر بگیریم که کمتر از آن هم مطرح شده و بیشتر از آن نیز مطرح شده اما این باید در صحن علنی تصمیم‌گیری شود. یک آئین‌نامه خوبی برای خبرگان نوشته شده است و قبل از اینکه آئین‌نامه تنظیم شود مطالب پراکنده‌ای را که بود در دو سال اخیر تصمیم گرفتیم که سامان دهیم و این اتفاق رخ داد. همچنین قانون اساسی ویژگی‌هایی را برای یک رهبر نظیر مدیر و مدبر بودن و شجاع بودن و غیره برشمرده است و مقام معظم رهبری در دیداری به ما گفتند که خبرگان بروند و شاخص‌های رهبری را تعیین کنند، مثلاً شاخص شجاعت، مدیریت و تدبیر رهبری چیست؟ که این را هم به فضل خداوند پس از بررسی در کمیسیون تحقیق مشخص کردیم. در مسائل روز هم امام راحل فرمودند که مجلس خبرگان تقویت رهبری است و من معتقدم که - به اصطلاح طلبگی ما - این یک انشا است، إخبار نیست. یعنی «باید» تقویت رهبری انجام شود که خدا را شکر در طول سالیانی که گذشت به خصوص در جریان فتنه ۸۸ مجلس خبرگان رهبری تمام‌قد به حمایت از مقام معظم رهبری آمد و عرض می‌کنم که تنها شخصیتی که در حال حاضر لباس رهبری بر قامت او زینده است فقط و فقط مقام معظم رهبری است. در مسائل روز امام راحل فرمودند که مجلس خبرگان تقویت رهبری است و من معتقدم که - به اصطلاح طلبگی ما - این یک انشا است، إخبار نیست. یعنی «باید» تقویت رهبری انجام شود که خدا را شکر در طول سالیانی که گذشت به خصوص در جریان فتنه ۸۸ مجلس خبرگان رهبری تمام‌قد به حمایت از مقام معظم رهبری آمد. عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم معتقد است: ما در فلسفه دو گونه ترکیب داریم، یکی ترکیب انضمامی و یکی ترکیب اتحادی است. ترکیب انضمامی مثل ترکیبی است که یک کتابخانه دارد. مثلاً در یک قفسه کتاب‌ها را چیده‌اید که به آن ترکیب انضمامی می‌گویند. یک ترکیب هم ترکیب اتحادی است، مثل چایی که توی آن شکر می‌ریزید و دیگر نمی‌توان شکر را از چای جدا کرد که به این ترکیب اتحادی می‌گویند. تعبیر مقام معظم رهبری این است که جمهوری اسلامی ترکیب اتحادی است، نه جمهوریت را می‌شود از اسلامیت جدا کرد، نه اسلامیت را می‌توان از جمهوریت جدا دانست. اسلامیت چارچوبه نظام است که تمام قوانین در جمهوری اسلامی باید بر اساس اسلام باشد. شورای نگهبان را هم گذاشته‌اند تا از این اصل پاسداری کند. در این چارچوب مردم، سالار هستند. رهبر را با واسطه خبرگان، مردم تعیین می‌کنند، همچنین رئیس‌جمهوری و نمایندگان مجالس را هم مردم تعیین می‌کنند که این یعنی مردم‌سالاری دینی، یعنی جمهوری دموکراتیک غرب

نه، که چارچوب، اصل و فرع‌اش مردم هستند. در مقابل این، چارچوبه‌ای که اسلام مشخص کرده، باید در آن قرار داشته باشیم و خارج از آن اگر چیزی باشد، مشروع و مقبول نیست و در این چارچوب، میزان رأی ملت است. جالب است بگویم مقام معظم رهبری فقط سال ۸۸ از جمهوریت نظام دفاع نکرد. در سالی که آقای خاتمی انتخاب شد نیز کسانی رفتند و به آقا گفتند که یک کاری باید کرد. آقا فرمودند چه کار؟ مردم رأی داده‌اند. آقای خاتمی رئیس‌جمهوری است. یعنی قصه دفاع از جمهوریت نظام را مقام معظم رهبری در جاهای مختلف داشته و دارد و حقیقت هم همین است. ما پذیرفته‌ایم که نظام‌مان مردم‌سالار دینی است و آنان هستند که حرف اول را می‌زنند. بله! باید تبیین و روشن‌گری هم باشد تا انتخاب‌ها، انتخاب‌های با بصیرتی باشند ولی سرانجام در چارچوب نظام اسلامی باید به رأی مردم تمکین کرد. خاتمی در پایان می‌گوید: پیشنهاد جانشین پروری چند بار از سوی افرادی در مجلس خبرگان مطرح شده که من آن را به کادرسازی تعبیر می‌کنم و آن را کادرسازی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌دانم اما هنوز نهادی - نه نهاد روحانی و نه نهاد دیگری - در عرصه‌های مختلف، تدبیری در این عرصه نچیده‌اند ولی به تدریج که زمان پیش می‌رود چهره‌های شاخص هم خود را نشان می‌دهند و استعدادهایشان را از قوه به فعل در می‌آورند و خودبه‌خود شناخته می‌شوند، ولی باید اعتراف کنیم که در این عرصه باید یک کار سامان‌یافته دقیق در حوزه‌های مختلف صورت دهیم.

برچسب ها: [مجلس خبرگان](#) [1]

[فضای مجازی](#) [2]

[فیلترینگ](#) [3]